

بررسی مفهوم اقامتگاه در حقوق مدنی فرانسه

سید محمد مهدی غمامی^۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی مفهوم اقامتگاه در حقوق مدنی فرانسه

مقدمه

در حقوق عمومی و حقوق خصوصی، تعریف اقامتگاه، اهمیت بسیاری دارد. اقامتگاه عنصر بسیار مهمی در تعیین قلمروی وضعیت اشخاص است. مسائل مربوط به قواعد و احکام حقوق عمومی و حقوق خصوصی مانند: مسائل حقوق ارث، صلاحیت دادگاه، وضعیت قیمومیت، ولایت و آگهی‌های قانونی و ...، در رابطه با اشخاص وقتی به اجرا درمی‌آید که جایگاه شخص معلوم باشد. در مبحث اقامتگاه اشخاص حقیقی، ابتدا اقامتگاه انتخابی، قانونی، زناشویی و محل سکونت را مورد بررسی قرار داده و در ادامه مبحث اقامتگاه اشخاص حقوقی را توضیح خواهیم داد.

اقامتگاه:^۱

در زبان جاری، کلمه اقامتگاه به معنای محل سکونت و زندگی به کار می‌رود. اما از نظر نویسندگان قانون مدنی (در سیستم حقوقی رومی - ژرمنی)، ایده حقوقی اقامتگاه متفاوت از محل سکونت است. اقامتگاه مرکز قانونی هر شخص است، مکانی که شخص از نظر قانونی، در آنجا استقرار یافته است.^۲

مسکن^۳، مکانی است که شخص عادتاً در آنجا زندگی می‌کند و منزل^۴ در زبان

۱. domicile, کلمه demicile از واژه demus در زبان لاتین گرفته شده است.

2. Encyclopédie juridique Tome III. Yviane Buffan - Lanore. Domicile et demeure page "2", Dalloz, 12 Avril 2001.

3. demeure.

4. Résidence.

جاری، محلی است که فرد در آنجا موقتاً حضور دارد.

با این حال قانونگذار فرانسوی، در مبحث صلاحیت قضایی در قلمروی سرزمین فرانسه، نتوانسته است نسبت به همه این مفاهیم معیار مناسبی به منظور تفکیک آنها ارائه دهد.

در بسیاری از موارد، مفهوم اقامتگاه و محل سکونت برهم منطبق نمی‌باشند. این در حالی است که حقوقدانان جدید فرانسوی تمایل وافر به نزدیک کردن این دو مفهوم در دنیای حقوقی دارند.^۱

مزایای تعیین اقامتگاه

مطابق قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی ضروری است که هر شخص یک اقامتگاه داشته باشد، همانطور که ضروری است هر شخص یک نام و یک تابعیت داشته باشد. بهترین نمونه عملی برای این مسأله، این است که غالباً نام خانوادگی مربوط به اصلیتی است که ذکر آن، یادآور اقامتگاه، حال یا سابق، می‌گردد. نظیر.....x به معنای منسوب به چنین مکانی.^۲

امروزه یکی از مهمترین مدارک مربوط به هویت هر شخص، تعیین اقامتگاه وی می‌باشد. به عبارت دیگر برای هر شخصی پاسخ این مسأله بسیار مهم است که طرف قراردادی خود را چه در دعوی حقوقی و چه در دعوی جزایی، می‌تواند در کدام محل به عنوان اقامتگاه وی پیدا کند؟

از طرفی در حقوق عمومی، دولت هر شخص را موظف به ایفای وظائف و تکالیف مالیاتی، سیاسی، اجتماعی و نظامی می‌داند و از طرف دیگر هر شهروند می‌تواند خدمات متعددی را در محل اقامت خود دریافت کند، بالتیجه در حقوق عمومی، تعیین اقامتگاه از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

در حقوق خصوصی، اهمیت و وضعیت اقامتگاه بیش از سایر رشته‌های حقوقی

1. Encyclopédie Juridique tome III. Domicile. Page "2".

۲. برای مثال Donié یا در فارسی نام خانوادگی تهرانی که منسوب به تهران است.

معلوم می‌باشد، در تعیین اقامتگاه قانونگذاران اهداف فواید متعددی را دنبال می‌کنند که می‌توان به اختصار به چندین مورد اشاره داشت:

(۱) موارد بسیاری از اعمال و وقایع حقوقی که منجر به تغییر وضعیت شخص می‌شود نیاز به تعیین اقامتگاه وی دارد. اثر اقامتگاه را می‌توان در مسائلی نظیر مراسم ازدواج^۱ (ماده ۱۶۵ قانون مدنی فرانسه)، فرزندخواندگی^۲ (ماده ۳ - ۳۴۸ قانون مدنی فرانسه) قیمومیت (ماده ۳۹۳ قانون مدنی فرانسه)، حکم دادگاه مبنی بر غائب مفقودالاثر (ماده ۱۱۲ و ۱۲۲ قانون مدنی فرانسه) جستجو نمود.

(۲) در قلمروی حقوق ارثیه، اقامتگاه اهمیت قابل توجهی دارد.^۳ گشایش ارث (ماده ۱۱۰ قانون مدنی فرانسه)، پرداخت دیون متوفی از ارث (ماده ۱۲۴۷ بند ۱ قانون مدنی فرانسه) و عملیات پرداخت (ماده ۱۱۱ قانون مدنی فرانسه) همگی در محل اقامتگاه متوفی متجلی می‌گردد.

(۳) در خصوص اقامه دعوی، صلاحیت محاکم مدنی، ابلاغ حکم، شناختن اقامتگاه خواننده و همچنین خواهان ضروری است. اصل بر صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده بوده و احکام صادره از ناحیه این دادگاه می‌بایست دارای ارزش اجرایی باشد.

معدالک، در قلمرو سرزمینی، در پاره‌ای از موارد، مفهوم اقامتگاه در نظر قانونگذار فرانسوی کم‌رنگ‌تر از محل سکونت می‌باشد و مسکن افراد گاهی به صورت انحصاری (ماده واحده ۵ دسامبر ۱۹۷۵، مربوط به طلاق) و گاهی به صورت جانشینی (ماده ۶۵۵، بند ۱، قانون جدید آیین دادرسی مدنی فرانسه، مربوط به ابلاغ حکم) مبنای عمل محاکم فرانسوی قرار می‌گیرد.

1. code civil, Dalloz, paris, 2002.

۲. adoption، طفلی که اقامتگاه آن فرانسه است را در حداقل سن ۳ ماهگی می‌توان به فرزندخواندگی کامل (plénier) پذیرفت.

3. code civil, loi 28 dec 1977.

۴) در حقوق بین‌الملل خصوصی، مفهوم اقامتگاه، مبحث مهمی را تحت عنوان «عنصر ارتباطی»^۱ به خود معطوف نموده است. آثار حقوقی و اعمال خارجی در کشورهای رومی، ژرمنی با مفهوم اقامتگاه پیوند تنگاتنگی دارد، اگرچه در کشورهای آنگلو ساکسون، محل سکونت چنین ارزشی دارد.^۲

ماده ۳۱۰ قانون مدنی جدید (فرانسه) ناظر بر وضعیت خارجیانی است که قصد دارند در اراضی (سرزمین) فرانسه از یکدیگر طلاق بگیرند، این ماده لازمه طلاق را، اجرای عمل طلاق در اقامتگاه یکی از زوجین می‌داند. رژیم زناشویی در سایر نظام‌های حقوقی نیز چنین سخت‌گیری‌هایی را دارد.

تعیین اقامتگاه اشخاص حقیقی

اغلب قانونگذاران در انتخاب بین تئوری‌های متفاوتی که از اقامتگاه وجود دارد، مردد می‌مانند.

مثلاً در سیستم A، اقامتگاه، با ملاحظه منافع و اعمال شخص و بدون اعتنا به محل سکونت آنان، تعیین می‌شود.

این سیستم مقبول همه کشورهای رومی، ژرمنی، از جمله فرانسه است. مرکز اعمال و اصلی‌ترین محل استقرار شخص معمولاً مکان ثابتی است و اساساً اشخاص نمی‌توانند آن را همانند محل سکونت تغییر دهند و این تغییر ناپذیری برای تمام اشخاص طرف دعوی یا قرارداد، مزیت بزرگی محسوب می‌شود^۳ (چون مرکز اعمال وی معلوم است).

بررسی وضعیت اقامتگاه در سیستم A، براساس تعدد فعالیت‌های اشخاص، خالی از اشکال نیست. از طرف دیگر، فردی که هیچ فعالیتی ندارد دیگران را در پیدا

1. Connecting factor en Anglais et element de reattachement en francais.

۲. تقریرات دکتر الماسی، «جزوه حجت‌المبین» حقوق بین‌الملل خصوصی ۱، سال ۱۳۸۱، دانشگاه امام صادق (ع)، ص ۱۵.

3. Mazead .H.L.J.: Lesons de droit civil. Section IV.domicil, No. Page 87. Paris 1979.

کردن مهمترین محل استقرارش با مشکل روبرو می‌کند. مخصوصاً اگر این مشکلات همراه با سوءنیت هم باشد مسأله پیچیده‌تر می‌شود.

در مقابل سیستم A، سیستم B مطرح شده است.^۱ این سیستم برخلاف سیستم A، قویاً تمایل دارد که مفهوم اقامتگاه و محل سکونت را به هم نزدیک کند، علاوه بر پیگیری تعدادی از حقوقدانان فرانسوی، سیستم B مورد پذیرش کمیته اصلاح حقوق مدنی فرانسه هم بوده است. سیستم B در مورد شخص حقیقی، سیستم قابل قبولی به نظر می‌رسد ولی در مورد اشخاص حقوقی، تلویحاً به ملاک‌های سیستم A رجوع می‌کند. اگرچه سیستم A هم، در مواردی ناگزیر از تبعیت از ملاک سیستم B است.^۲

التهایه ما تنها نمی‌توانیم برای پذیرش مفهوم اقامتگاه قائل به یک سیستم اصلی باشیم چون ناگزیریم برای هر شخص یک اقامتگاه در نظر بگیریم که خصلت آن اصولاً می‌بایست هم واحد بوده و هم ثابت باشد.^۳

نویسندگان قانون مدنی بر آمره بودن مفهوم اقامتگاه تأکید بسیاری دارند و حتی برای آن ماهیت و خصلت نظام عمومی قائل شده‌اند تا بهتر بتوانند به قواعد مذکور جامه عمل بپوشانند.^۴ سخت‌گیری‌های قانونگذار، اشخاص را در تعیین اقامتگاه و تغییر آن با تشریفات و محدودیت‌هایی مواجه می‌کند. معذالک تمام این سخت‌گیری‌ها به منظور نظم دادن به روابط اشخاص با یکدیگر صورت می‌گیرد، به ویژه اینکه قانونگذار در مواردی به اشخاص این امکان را داده تا با توافق برای اعمال حقوقی خود و آثار آن، اقامتگاه ثانویه^۵ را انتخاب کنند.

1. Encyclopédie Juridique Tome III. Domicil. Page 10.

۲. تقریرات دکتر سعید بیگدلی، جزوه «حجت مبین» حقوق مدنی (۱)، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۰، ص ۳۱.

3. Encyclopedie Juridique Dalloz, 12 Avril 2001, Tome III, Yavaine Bufflane-Lanore, domicile et demeure, page 27 (Sous domicile).

4. Ibid, page 12.

5. domicile secondaire.

ماده ۱۰۲ قانون مدنی فرانسه مقرر می‌دارد که «اقامتگاه هر فرانسوی در استیفاء حقوقش، مهمترین مرکز استقرارش می‌باشد». یعنی اینکه قانون‌گذار فرانسوی به سمت پذیرش سیستم A متمایل گردیده است.^۱ و در ادامه ماده ۱۰۲ قاعده وحدت اقامتگاه را مورد تأکید قرار می‌دهد: «شخصی که فعالیت‌های متعدد در مکانهای مختلف دارد چند اقامتگاه ندارد بلکه ضرورتاً یک اقامتگاه دارد».

الف: تعیین اقامتگاه شخص حقیقی

ماده ۱۰۲ قانون مدنی فرانسه، گرچه اقامتگاه هر فرانسوی را مهمترین محل استقرارش معرفی می‌کند. لیکن به نظری می‌رسد بتوان ۴ نقص را در شیوه قانونگذاری قانونگذار فرانسه مورد توجه قرار داد:

۱) در بعضی موارد، قانونگذار فرانسه، برای اشخاص معینی ضرورتاً، مبادرت به تعیین اقامتگاه شخصی معین می‌کند، به این اقامتگاه، اصطلاحاً اقامتگاه قانونی گفته می‌شود.

۲) وضعیت خانوادگی، به ویژه زناشویی در تعیین اقامتگاه مؤثر است.

۳) عملاً محل سکونت، در موارد متعددی به عنوان اقامتگاه موضوعیت پیدا می‌کند.

۴) انتخاب اقامتگاه ثانویه با قاعده، وحدت اقامتگاه در تضاد است.^۲

اصلی‌ترین محل استقرار:

لفظ اصلی‌ترین محل استقرار در مفهوم اقامتگاه به اصلی‌ترین پایگاه و محل فیزیکی مرتبط شده است. اصلی‌ترین مرکز فعالیت‌ها و معاملات و منافع هر شخص اقامتگاه او محسوب می‌شود و اگر شخصی در مراکز متعدد فعالیت داشته باشد مهمترین آن مراکز به عنوان اقامتگاه اصلی شخص مورد نظر تلقی می‌گردد. متقابلاً ممکن است این سؤال مطرح گردد که اگر شخصی هیچ فعالیتی نداشته باشد آیا

1. Ibid, page 9.

2. Ibid, Page 5.

اقامتگاهی برای وی متصور خواهد بود؟

در جواب باید گفت که هر یک از ما با تولد، دارای یک اقامتگاه خواهیم بود و غالباً این پایگاه مادی اقامتگاه، در محل استقرار والدین و تجلی می‌یابد. این اقامتگاه برای شخص باقی است تا وقتی که محل استقرار ثابت دیگری پیدا کند.^۱ فردی که دارای شغل آزاد است نظیر تاجر و... قطعاً در محل معاملات و اموالش مستقر شده است، یعنی اینکه دیگر محل سکونتش، اقامتگاه وی محسوب نمی‌گردد. اما در مورد این سؤال که صاحب اموال غیرمنقول، به عنوان تنها مالک این اموال، آیا اقامتگاهش محل این اموال است یا جای دیگر؟، با مراجعه به ملاک‌های موجود در این خصوص، باید اذعان نمود که اصلی‌ترین محل استقرار مالک که منافع و فعالیت‌هایش در آنجا قرار دارد، محل وقوع این اموال است بنابراین محل وقوع مال غیرمنقول، اصلی‌ترین اقامتگاه مالک مال غیرمنقول محسوب می‌گردد (محل استقرار فعالیت‌ها و منافع مالک).

در مورد کارگران و کارمندان هم باید گفت محل کار آنها، مرکز فعالیت‌ها و منافع آنها است، در نتیجه اقامتگاه آنها، اداره یا کارگاه یا... خواهد بود. در خصوص اقامتگاه قانونی، نقص قانونی وجود ندارد چون بسیاری از اوقات، محل مهم استقرار افراد با محل مورد نظر قانونگذار منطبق است. و شاید به قول برادران مازو، اقامتگاه این افراد، محل تصمیم‌گیری در مورد اعمال و رفتار این اشخاص باشد و این یعنی اصلی‌ترین محل استقرار آنها^۲ البته مکان یاد شده شامل حال همهٔ دارندگان اقامتگاه قانونی نمی‌شود.

موارد اقامتگاه قانونی در حقوق مدنی فرانسه:

موارد اقامتگاه قانونی در حقوق فرانسه مشتمل بر موارد زیر است:

۱) طبق ماده ۱۰۷ قانون مدنی فرانسه، «کارمندان استخدام شده برای تمام عمر»

۱. تقریرات دکتر نجاد علی‌الماسی، (جزوه حجت‌میین) حقوق بین‌الملل خصوصی (۱)، (۱۳۸۱)، دانشگاه امام صادق (ع) (ص ۱۷).

یعنی کسانی که مشغول فعالیت‌های عمومی غیرقابل فسخ هستند، همانند قضات، صاحب منصبان کشوری، رؤسای دیوان محاسبات، دادستان‌ها، وزراء و مأموران قانونی، از زمان سوگندشان یا از زمان استقرارشان در محل خدمت، در همین محل اقامت کرده‌اند حتی اگر فعالیت‌هایشان مشمول اصلی‌ترین اعمال و منافعیان نشود.

۲) کسانی که بر روی کرجی زندگی می‌کنند، عشایر و خارجیان

صاحبان کرجی، به هیچ وجه در مکان خاصی ثابت نیستند و مرکز فعالیت‌هایشان هم، همان قایق و کرجی آنها است. پس هنگامی که تعیین مهمترین محل استقرار ثابت امکان‌پذیر نیست، اولین اقامتگاه فرد، یعنی اقامتگاه وطنی فرد به عنوان اقامتگاه اصلی آن شخص محسوب می‌گردد و یعنی، جایی که آن شخص در آنجا متولد شده است، وضعیت عشایر و کوچ‌نشینان با وضعیت صاحبان کرجی شباهت‌های بسیار زیادی دارد و به طور کلی وضعیت عشایر و کرجی‌نشینان برای سیستم دولتی، وضعیت مطلوبی به شمار نمی‌آید.

طبق حکم شماره ۹۲۳ سال ۱۹۵۸ و بند ۲ ماده ۱۰۲ قانون مدنی فرانسه، صاحبان کرجی، عشایر و خارجیان باید یک منطقه معین سرزمینی را که در آن رفت و آمد دارند به عنوان اقامتگاه انتخاب کنند حتی اگر آن منطقه اصلی‌ترین محل فعالیت‌های آنها نباشد.

۳) طبق قانون ۱۱ ژوئیه ۱۹۹۶، اقامتگاه فرزند خوانده، محل استقرار کسانی است که وی را به عنوان فرزند خوانده قبول کرده‌اند.

۴) وضعیت فرزندان نامشروع معلوم و غیرمعلوم کاملاً معلوم نشده است.

فرزندان نامشروع معلوم نزد والدین خود خواهند بود ولی اگر یکی از آنها وارد رابطه زناشویی با شخص دیگری شود فرزند نامشروع را نباید در اقامتگاه زناشویی نگه داشت مگر با رضایت طرف دیگر، حصول فرزند نامشروع، و همسر شخص (ماده ۳۳۴-۷ قانون مدنی جدید، قانون ۳ ژانویه ۱۹۷۲) همچنین در مورد فرزندان نامشروع غیرمعلوم، قانون ۴ ژوئن ۱۹۷۰ مسئولیت را برعهده سرویس خدمات

اجتماعی می گذارند.

۵) اقامتگاه قانونی زن متأهل که بدو^۱ در محل استقرار شوهرش محسوب می گردید، به وسیله قانون ژوئیه ۱۹۷۵ و ماده ۱۰۸ قانون مدنی جدید نسخ و اقامتگاه زن از این به بعد به صورت استقلالی، محل استقرار زن خواهد بود.^۱

۶) مستخدمینی که نزد دیگران کار می کنند، و در همان جا زندگی می کنند.

اقامتگاه زناشویی

ماده ۱۰۸ قانون مدنی جدید فرانسه مقرر داشته است که «شوهر و زن می توانند اقامتگاه مجزا داشته باشند بدون اینکه این مسأله به قواعد زندگی مشترک آنها، آسیبی برساند».

قبل از وضع قانون ۱۱ ژوئیه ۱۹۷۵، اقامتگاه زوجین واحد بود از آن جهت که زن متأهل اقامتگاه دیگری غیر از اقامتگاه شوهرش نمی توانست داشته باشد، به عبارت دیگر طبق مقررات نظم عمومی اقامتگاه زن، همان اقامتگاه مرد بود. اما بعدها به علل مختلفی (مثلاً هنگام جدایی^۲، حتی در صورت عدم استناد به وضعیت زن، حقوقدانان فروض متعددی را تصور نمودند که می توانست منافع زن را به خطر بیندازد، به همین جهت ماده ۲۱۵ سابق، اصلاح و در مواردی به زن اجازه تعیین اقامتگاه جداگانه را داد و رویه قضایی هم از این نکته حمایت کرد تا اینکه قانون ۱۱ ژوئیه صراحتاً، اقامتگاه زوجین را مستقل اعلام کرد.

نقش محل سکونت

حقوق نمی تواند از این حقیقت مهم بودن محل سکونت چشم پوشی کند و می بایست دیر یا زود به اهمیت آن اعتراف کند و این وقتی که محل سکونت در کنار اقامتگاه نقش رقابتی ایفاء می نماید و قانونگذار هم نمی تواند نسبت به آن بی اعتنا باشد.

۱. در فرانسه غیر از نهاد طلاق (Divorce) که جدایی کامل زوجین از هم می باشد، نهاد افتراق (séparation) به دو شکل جسمانی (de corp) و عملی (de fait) وجود دارد.

2. Mazeud. H.L.J. Leçon de Droit civil. Page 693 (n : 578).

از سال ۱۸۰۶، قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه به محل سکونت، نقشی به عنوان مکمل اقامتگاه را داده است. هنگامی که اقامتگاه یک شخص نامعلوم باشد، او در مقابل دادگاه محل سکونتش حضور خواهد یافت. این نقش، ملاک محل سکونت را به عنوان چاره‌اندیشی نسبت به نارسایی بزرگ اقامتگاه کاملاً مبرهن می‌سازد.

طبق ماده ۴۲ قانون آیین دادرسی جدید فرانسه «صلاحیت و اقتدار قضایی محاکم فرانسوی، به جز در مقررات مخالف، مبتنی بر محل سکونت خواننده است.» ماده ۴۲ این قانون تصریح می‌کند که «دادگاه» صالح به رسیدگی دعاوی اشخاص حقیقی عبارت است از مکانی است که شامل اقامتگاه آن شخص هم بشود و اگر فرد دارای اقامتگاه معینی نباشد محل سکونت وی به عنوان مبنای صلاحیت قضایی قابل تأمل خواهد بود.

بند اول ماده ۶۵۵ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه اشعار می‌دارد: «اگر شناسایی فعالیت‌های شخص» غیرممکن باشد، دعوا در محل سکونت خواننده (همان شخص) مطرح می‌شود.»

پس باید در ابتدا به دنبال شناسایی اقامتگاه اشخاص باشیم و در صورتی که اقامتگاه شخص مورد نظر قابل بازیابی نباشد می‌توان به محل سکونت وی اعتماد کرد که به طور کلی در همان زمان محل سکونت یک اقامتگاه آشکار محسوب می‌شود. ماده ۱-۶۴ قانون مالیاتی فرانسه در خصوص مالیات بر درآمد خارجیان بر مبنای اقامتگاه آنان اشعار می‌دارد: «مالیات بر درآمد برعهده کسانی است که در سرزمین فرانسه دارای محل استقرار منافع بوده یا در یک محل مسکونی به طور متعارف، بیش از ۵ سال در فرانسه زندگی کنند.»

تئوری اقامتگاه آشکار:

مطابق قاعده عمل به ظاهر^۱ این نظریه به کمک اشخاص ثالث آمده است تا در

۱. *théorie d'apparence*: این تئوری در حقوق فرانسه مخصوصاً در حقوق تجارت و مدنی کاربرد بسیاری دارد.

صورت تعدد، عدم تعیین و تغییر اقامتگاه طرف آنها در قرارداد، دعوی و... آنها را از سردرگمی نجات دهد. این نظریه که رویه قضایی فرانسه در آیین دادرسی کمابیش به آن معتقد است، در مکان سکونت خواننده ظهور پیدا می‌کند.

انتخاب اقامتگاه

طبق ماده ۱۱۱ قانون مدنی جدید فرانسه، طرفین یک سند قضایی می‌توانند اقامتگاه دیگری غیر از اقامتگاه واقعی برای خود معلوم کنند تا مطالبات و پیگیری‌های حقوقی (سند و آثار حقوقی آن سند) را در آن اقامتگاه دنبال کنند.^۱

علاوه بر ماده ۱۱۱ قانون مدنی جدید فرانسه، ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی جدید فرانسه و حکم شماره ۱۱۲۲، ۵ دسامبر ۱۹۷۵ بر امکان انتخاب اقامتگاه ثانویه صحه می‌گذارد. اما طبق ماده ۴۸ همین قانون، اقامتگاه ثانویه وقتی مورد قبول است که با توافق میان تجار، آشکارا ایجاد شده باشد. پس در قرارداد میان غیرتجار با تجار، تعیین انتخابی را تغییر دهند مگر با قرارداد جدید.^۱

اقامتگاه شخص حقوقی

شخص حقوقی همانند شخص حقیقی می‌بایست دارای اقامتگاه باشد چون اشخاص حقوقی می‌توانند طرف قرارداد با سایر اشخاص قرار گیرند. بنابراین اشخاص مذکور باید دارای اقامتگاه باشند تا امکان ردیابی آنان به طور کلی در هر شرایطی آسان باشد.

اقامتگاه اشخاص حقوقی، یعنی مرکز مهم امور این اشخاص، در محل مرکز اداری آنها واقع است. ماده ۱۸۸۳ قانون مدنی جدید و ماده ۳ قانون مؤسسات تجاری قانون و ۴ ژانویه ۱۹۷۸ و قانون ۲۴ ژوئیه ۱۹۶۶ اقامتگاه اشخاص حقوقی را مرکز اداری آنان (نه مرکز فعالیت‌ها، مثلاً کارخانه، فروشگاه‌ها، ...) می‌داند و این قاعده با این که مشکلات متعددی را که تا قبل از این داشته است (در مواردی که شخص حقوقی هم مرکز اداری و هم مرکز صنعتی یا... داشت، اشخاص و افراد را

در شناختن اصلی‌ترین محل استقرار خود دچار سردرگمی می‌کرد، حل کرده، ولی همچنان جای سوءاستفاده را برای مؤسسات تجاری باز گذاشته و این مؤسسات با استناد به ملیت خارجی از تعهدات مالیاتی و اساسی خود زیرکانه شانه خالی می‌کنند به عبارت دیگر این مؤسسات مرکز اداری خود را از کشور خارج می‌کنند و مرکز صنعتی خود را در کشور نگه می‌دارند و بدین ترتیب منافع بسیاری را بدون داشتن تعهد خاصی، جذب می‌کنند.^۱

نتیجه:

همانطوری که دیدیم نهاد حقوقی اقامتگاه، ارزش بسیاری در فعالیتهای حقوقی و اقتصادی و اجتماعی دارد، و جمله لاتینی معروفی بین تجار اروپایی وجود دارد که می‌گوید «احساس امنیت خواهیم نمود هرگاه بدانیم که در هر زمان طرف قرارداد خود را کجا پیدا کنیم».^۲ ناظر به همین اهمیت است. قانونگذار فرانسوی اقامتگاه را مهمترین محل استقرار اشخاص (حقیقی - حقوقی) می‌داند و البته از مفهوم محل سکونت برای اشخاص حقیقی - به عنوان مکمل بهره می‌برد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Robert, Citation, sous "commerçant", page 104, 1998, Paris.

۲. در انتها از استادان محترم دکتر الماسی، دکتر حیاتی و دکتر محسنی، کمال قدردانی را به عمل می‌آورم.